



The Impact of Quranic Recitation According to Quranic Verses with Emphasis on the Statements of the Supreme Leader *

Mohsen Ghaemi ¹ and Kamran Oveysi ²

Abstract



Quranic recitation stands as one of the most crucial tools for introducing and propagating Islam, always esteemed by the Prophet and the infallible Imams. Various valuable worldly and otherworldly effects are correlated with the recitation of the Holy Quran, necessitating special attention to this subject. Diverse impacts are mentioned, some within the Quran itself and others within traditions, such as warning, admonition, emergence from darkness towards the light of guidance, and spiritual growth. Quranic recitation plays a significant role in fostering faith, religious enthusiasm, humility, and awe, contributing significantly to their elevation. From the perspective of Quranic verses, recitation affects faith, ensuring increased faith, heart's tranquility, tears, and prostration. The Supreme Leader, especially in the recent gatherings centered around connecting with the Quran, has emphasized the impact of recitation on the audience, considering it essential. He introduced the Quran reciter as the messenger and conveyor of the message of the Almighty to the listener. This research enumerates some of the remarkable effects of Quranic recitation stated within the Quran itself, drawing on the expressions of the Supreme Leader, highlighting the effectiveness of recitation. The research methodology is descriptive-analytical, relying on authentic religious sources such as the Quran and exegesis, collecting, categorizing, and analyzing the data accordingly.

Keywords: Quranic Recitation, Effects of Recitation, Influential Recitation, Quran and Hadith, Quranic Thoughts of the Supreme Leader.

*. **Date of receiving:** 19/09/2022, **Date of approval:** 14/08/2023.

1. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Yazd Campus, Islamic Azad University, Yazd, Iran
(Corresponding Author): mo.ghaemi@iau.ac.ir.

2. Assistant Professor in the Department of Quran and Hadith, University of Islamic Sciences, Qom, Iran: oveysi@maaref.ac.ir.



اثرگذاری تلاوت از منظر آیات قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری *

محسن قائمی^۱ و کامران اویسی^۲



چکیده

تلاوت قرآن، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار معرفی و ترویج دین اسلام، همواره مورد نظر پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین بوده است. آثار مختلف و ارزشمند دینی و اخروی بر تلاوت قرآن کریم مترتب شده که توجه خاص به موضوع تلاوت را ضروری می‌نماید. آثار مختلفی که بخشی از آنها در خود قرآن و بخشی نیز در روایات بیان شده است؛ مانند: إنذار، تذکر، خارج شدن از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت و رشد. همچنین تلاوت قرآن در ایجاد ایمان و اشتیاق دینی و خشوع و خشیت و نیز در افزایش درجات آنها نقش بسزایی دارد. از منظر آیات، تلاوت قرآن در زمینه ایمان، آثاری همچون: ازدیاد ایمان، اطمینان قلب، بکاء و سجده دارد. مقام معظم رهبری در بیانات مختلف خود به ویژه در آخرین محفل انس با قرآن، بر مسئله اثرگذاری تلاوت بر مخاطب تأکید فرموده و این امر را لازم شمردند و قاری قرآن را پیام‌آور و رساننده پیام خدای متعال به مستمع معرفی کردند. در این پژوهش، بخشی از آثار شگفت‌آور تلاوت قرآن که در خود قرآن آمده بر شمرده شده است و همچنین با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری، اثربخشی تلاوت مورد توجه قرار گرفته است. روش این تحقیق، توصیفی تحلیلی است و داده‌های این پژوهش که بر منابع اصیل دینی همچون قرآن و تفسیر تکیه دارد، پس از جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: تلاوت قرآن، آثار تلاوت، تلاوت تأثیرگذار، قرآن و حدیث، اندیشه‌های قرآنی مقام معظم

رهبری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول): mo.ghaemi@iau.ac.ir.

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: oveysi@maaref.ac.ir.



مقدمه

تلاوت قرآن کریم از جمله مسئله مهم مرتبط با کتاب الهی دین اسلام یعنی قرآن است. این مسئله از ابعاد مختلفی قابل توجه است. یکی از این ابعاد، بُعد اثراگذاری آن بر مخاطبان است. متأسفانه نادیده گرفتن رسالت اساسی این هنر بزرگ و عدم رعایت اصول تلاوت، موجب شده که منزلت والا و تأثیر بسزایی که بر تلاوت قرآن مترتب است، هم از بُعد فردی و هم از منظر اجتماعی در جوامع اسلامی مغفول واقع شود و کار به جایی برسد که در برخی جوامع، شنیدن صوت قرآن، فقط مساوی با اعلام فوت و انعقاد مراسم ترحیم شود. در حالی که این جایگاه، نه تنها در شأن تلاوت قرآن نیست؛ بلکه با روح خود لایات نیز منافات دارد. قرآن کریم، خود را بیم دهنده «زندگان» معرفی می کند: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِیْنٌ * لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِینَ﴾ (یس: ۶۹ - ۷۰). در آیات متعددی (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ قصص: ۵۹؛ جمعه: ۲؛ طلاق: ۱۱؛ بینه: ۲)، خدا یکی از وظایف انبیاء و نبی خاتم ﷺ را تلاوت آیات الهی برمی شمرد. از جمله: ﴿كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوا عَلَيْهِمُ اللَّذِیْ أَوْحَيْنَا إِلَیْكَ﴾؛ بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن، امت هایی روزگاره سر بردند، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی» (رعد: ۳۰). و ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَیُزَكِّيهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...﴾؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد» (آل عمران: ۱۶۴).

با بررسی نصوص دینی، آثار متعدد تلاوت در عموم مخاطبان و به ویژه مؤمنان روشن می شود. برای شناخت اهمیت تأثیرگذاری تلاوت، لازم است که با تکیه بر قرآن و روایات، این مسئله دنبال شده و مضامین به دست آمده، دسته بندی و ارائه و مورد دقت قرار گیرد. این پژوهش اختصاص به بررسی قرآنی موضوع دارد و پژوهش روایی، در نوشتار دیگری بررسی شده است.

از طرفی، مسئله تأثیرگذاری تلاوت، در بیانات مقام معظم رهبری مسئله ای پرتکرار و مؤکد است و همین امر، رسالت سنگین قاریان را موجب می شود (ر.ک: تهرانی، ۱۴۰۲، ۲۰۳). ایشان در آخرین دیداری که در طلیعه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۴۴ ق. با قاریان، حافظان و فعالان عرصه قرآن کریم داشتند روی این مسئله تأکید فراوانی فرمودند. آگاهی قاریان به این مسئله مهم و تلاش ایشان برای به دست آوردن آن، یقیناً جامعه را متحول کرده و معنویت را در آن، ارتقاء خواهد بخشید.

به طور خلاصه، نوشتار پیش رو، در جستجوی آثار این هنر بزرگ بر آمده و با نگاه به سخنان مقام معظم رهبری و تأکید همواره معظم له به قاریان برای توجه به مقوله «تأثیرگذاری تلاوت»، در تبیین این موضوع برآمده است.

الف. گستره تأثیر تلاوت قرآن

چنان‌که روشن است، دامنه تبلیغی رسول اکرم ﷺ، محدود به جغرافیایی خاص و نوعی ویژه نیست، بلکه هر موجود مکلف مختاری را که تا دامنه قیامت به نحوی مخاطب دعوت آن حضرت قرار بگیرد شامل می‌شود: «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَتَذَكَّرُ بِهِ وَمَنْ يَلْعَلْ»؛ و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم» (انعام: ۱۹). بر اساس همین اصل است که طلیعه ایمان جتّیان نیز، استماع قرآن بوده است؛ چنان‌که این مطلب صراحتاً در قرآن نیز یاد شده است: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ * قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ و [یاد کن] هنگامی که گروهی از جن را به‌سوی تو متوجه کردیم که قرآن را بشنوند، پس وقتی که نزد قرائت آن حاضر شدند، گفتند: [برای شنیدن قرآن] خاموش باشید. پس چون قرائت پایان یافت به سوی قومشان در حالی که بیم‌دهنده بودند، بازگشتند. گفتند: ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است، تصدیق‌کننده همه کتاب‌های پیش از خود است، به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌کند.» (احقاف (۴۶): ۲۹ - ۳۰)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۹/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶/۱۸). این دو آیه و آیات سوره جن (جن: ۱ و ۲)، گستره تأثیرگذاری تلاوت قرآن را نشان می‌دهد که از آدمیان فراتر رفته و پایه ایمان جتّیان نیز شده است.

پس قرآن کریم دائماً با تلاوت، پیوسته و همراه است و به‌دنبال تلاوت نیز، استماع شکل خواهد گرفت و این پیوند، منشأ آثار مختلفی از جمله ایمان آوردن برخی افراد و طوایف شده است. اکنون باید به بررسی آثار تلاوت قرآن پرداخت.

ب. خلاصه دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تلاوت تأثیرگذار

سال‌هاست که در طلیعه ماه مبارک رمضان، محفل انس با قرآن کریم در حضور مقام معظم رهبری و با حضور جمعی از فعالان عرصه تلاوت قرآن برگزار می‌شود. در جدیدترین محفل انس با قرآن که در رمضان المبارک ۱۴۴۵ برابر با سوم فروردین سال ۱۴۰۲ در حسینیّه امام خمینی برگزار شد، معظم له پس از استماع تلاوت‌های تعدادی از قاریان و حافظان قرآن کریم، در بیاناتی به منزلت قاری قرآن اشاره کرده و تلاوت را یک رسالت برشمردند. ایشان تلاوتگر قرآن را رساننده پیام خدای متعال به مستمعین معرفی کردند. معظم له برای اثرگذار شدن تلاوت در مستمعین، علاوه بر صدای خوب، قاریان را توصیه به استفاده از شگردهای اثرگذاری کردند و در ادامه به بیان برخی از آن شگردها پرداختند.



مقام معظم رهبری، اولین نکته در تأثیرگذاری را متأثر بودن خود قاری معرفی کرده و این امر را موجب اثربخشی بیشتر تلاوت دانستند. از جمله ابزار برای متوجه کردن مستمعین، به استفاده از اختلاف قرائت در حدّ مختصر و مؤثر اشاره کرده و حتی مثال‌هایی از قراء بزرگ و برجسته جهان اسلام زدند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52299>).

موارد فوق، اشاراتی است به دیدگاه معظمّ له درباره لزوم تأثیرگذاری بودن تلاوت. البته بیان این موضوع، به دیدار اخیر ایشان با قاریان، محدود نمی‌شود؛ بلکه در بیانات دیگر ایشان نیز این مسئله، به روشنی دیده می‌شود. در ادامه این نوشتار، به تناسب بررسی آثار تلاوت، به مواردی از بیان ویژگی‌های تلاوت و توصیه‌های معظمّ له به جامعه قرآنی کشور اشاره خواهد شد.

ج. دیدگاه قرآن پیرامون اثر تلاوت

در قرآن کریم، آیاتی پیرامون رابطه تلاوت با ازدیاد ایمان وجود دارد. یکی از آنها، آیه‌ای است که در آن، از جمله اوصاف مؤمنان راستین، افزایش ایمان ایشان در برابر شنیدن تلاوت آیات الهی دانسته شده است. خدا در اوایل سوره مبارکه انفال، به تعریفی از مؤمنان پرداخته و می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خولنده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حقاً مؤمنند؛ برای آنان، نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.» (انفال: ۱-۴).

چنانچه ملاحظه می‌شود، در این آیه، سه دستور «رعایت تقوا، اصلاح ذات البین و اطاعت از خدا و رسول خدا»، به داشتن ایمان منوط شده است. به همین جهت و برای روشن شدن حدود ایمان و نشانه‌های اهالی ایمان، خدا در آیات بعد به معرفی مؤمنان پرداخته و پنج صفت را بیان می‌کند: ترس باطنی نسبت به عظمت الهی، افزایش ایمان هنگام شنیدن آیات الهی، توکل بر خدا، برپاداشتن نماز و در نهایت، انفاق. اگر ترتیب چیش اوصاف پنج‌گانه از روی حکمت و عنایت باشد، باید هر یک از اوصاف، متوقف بر وصف قبل و به دنبال آن باشد. ابتدا وصف «وجل» ذکر شده که ترس و هراسی است که در مقابل مشاهده عظمت پروردگار، زاده می‌شود. برخی مفسران و اهل لغت، وجل را با خوف و فزع مترادف دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۸/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۲۲/۱۱). در مرتبه دوم، وصف

مورد بحث بخش جاری یعنی «ازدیاد ایمان بر اثر استماع تلاوت قرآن» ذکر شده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۹/۴: معناه و إذا قرئ علیهم القرآن) و آنگاه توکل. اینکه خوف و خشیت الهی، بر ازدیاد ایمان بر اثر استماع آیات الهی مقدم شده، بیان گر این نکته است که ابتدا فرد، با اختیار و آگاهی، ایمان را پذیرا می شود؛ و انگهی در صورت داشتن قابلیت، پروردگار به او ایمان و هدایتی پاداشی نیز ارزانی می فرماید که در اینجا این هدیه، از طریق تلاوت صورت می گیرد. نشانه این آمادگی و پذیرش، همان خشیت و وجل و خوفی است که با شناخت اولیه فرد از قدرت، شوکت و جلال خدا به دست آمده و قابلیت را در فرد برای رشد هرچه بیشتر فراهم کرده؛ به صورتی که با یادآوری خدا، ناچیز بودن خود مقابل حضرت حق را به یاد آورده و هراس او را فرا می گیرد؛ و سپس با شنیدن آیاتی که بر وی تلاوت می شود، بر آن باور اولیه افزوده شده و توسعه و افزایش در گستره ایمان وی پدید می آید. در ادامه، با این شناخت: ابی برای تکیه بر هیچ مخلوقی ندیده و یکسره بر خدای یگانه توکل می کند.

این سه، عملیات درونی و قلبی فرد مؤمن است؛ اما دو وصف آتی: نبه ای بیرونی و عملی دارد. خضوع کامل و عبودیت خالصانه و آنگاه توجه و رسیدگی به نیازهای آحاد اجتماع (یعنی دو وصف اقامه نماز و انفاق).

یکی از مباحث مطرح شده در آیه، این است که آیا ازدیاد ایمان، کیفی است یا کمی؟ یعنی آیا درجات یقین مؤمنان است که افزایش می یابد یا به سبب افزایش گروندگان، کمیت و تعداد مؤمنان افزایش پیدا می کند؟ (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳۹/۳) با توجه به شرایط و اوصاف پنج گانه مذکور در آیه، به نظر می رسد که ازدیاد در مورد درجات یقین افراد و ارتقای کیفیت ایمان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۹). عبارت پایانی در بیان پاداش این طایفه از مؤمنان، یعنی تعبیر «درجات» نیز می تواند مؤید همین مطلب باشد که مراتب آحاد مؤمنان بنا بر مساعی ایشان، متفاوت می گردد.

نکته دیگر این آیه، اینکه ازدیاد ایمانی که بر اثر تلاوت قرآن حاصل می شود، به چه معنا است؟ این مطلب، یکی از بحث هایی بوده که مورد توجه برخی دانشمندان و نویسندگان قرار گرفته است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی از ربیع نقل کرده که ازدیاد ایمان، به معنای ازدیاد حسنه است (طوسی، بی تا، ۷۷/۵). علامه طبرسی ازدیاد را افزایش یقین، آرامش جان و تصدیق های آیات جلید علاوه بر آیات گذشته دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲/۲). ماتریدی، ثبات و قوت را افزایش ایمان دانسته (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۵۴/۵). ابن جوزی علاوه بر تصدیق و یقین، خشیت را نیز به نقل از ربیع بن انس ذکر کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۸۸/۲). زمخشری علاوه بر یقین و طمأنینه، زیادت عمل را نیز احتمال داده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۶/۲). عبد الرزاق رسعنی، بعد از نقل رأی ابن عباس که زیادت ایمان را



زیادت تصدیق و یقین دانسته، اینچنین توضیح می‌دهد که مؤمنان با شنیدن قرآن، دلایل ایمانی در ذهنشان آشکار شده و در نتیجه به یقین و ایمان و طمأنینه‌شان، افزوده می‌شود (رسعنی، ۱۴۲۹: ۳۶۳/۲). در تفسیر منسوب به ابن عربی، زیادت، ارتقا از درجه «علم» به درجه «عین» دانسته شده است (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۴۹/۱). تقریر ابن‌عرفه در خصوص مسئله چنین است که زیادت، یا تصدیق و اعتقاد قلبی است و یا زیادت‌های رفتاری و بدنی. اولی ممنوع است؛ چرا که اعتقادات، کم و زیاد نمی‌شود! اما دومی، پذیرفتنی است. اما در چگونگی آن، سه نظر وجود دارد. اول آنکه زیادت، به اعتبار متعلقات ایمان باشد. دوم آنکه به معنای کثرت و زیادت اعمال صالح باشد؛ و سوم آنکه زیادت در ادله، مراد است (ابن‌عرفه، ۲۰۰۸: ۲۷۸/۲). علامه طباطبایی نیز شدت و قوت ایمان و نیل به مرحله والای یقین را ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۹).

در بررسی اقوال فوق باید گفت هرچند، می‌توان از ایمان، تعبیر به «حسنه» نیز کرد، اما حقیقتاً گستردگی معنای ایمان، ما را از پذیرفتن چنین حمله‌ی بازمی‌دارد؛ چرا که حسنه، فقط مصداقی از مصادیق ایمان است. همچنین، حمل ایمان بر خشیت نیز، پذیرفتنی نیست؛ چرا که تکرار وصف نخست مؤمنان لازم می‌آید و این مسئله، خلاف بلاغت است. اما ارتقا از درجه علم به عین نیز، از ثمرات ازدیاد ایمان است، نه معنای آن؛ مانند طمأنینه و آرامش که می‌تواند از آثار افزایش ایمان باشد. مفهوم این ادعا که اعتقاد و ایمان، کم و زیاد نشدنی است هم، روشن نیست؛ چرا که تفاوت قوت و قدرت ایمان و درجات اعتقادی انسان‌های مختلف، مسئله‌ای روشن و قابل مشاهده در اقوال و احوال آنها در طول تاریخ و مؤید به آیات و روایات است. لکن معانی دیگری که برخی مفسران به آن اشاره کرده‌اند، یعنی افزایش یقین، تصدیق آیات و زیادت عمل را می‌توان نزدیک‌تر به معنای ازدیاد ایمان دانست. تلاوت آیات الهی بر مؤمن، یقین وی را بر عظمت و قدرت خدا افزایش داده، موجب پذیرفتن آن نشانه‌ها گشته و او را بر انجام تکالیف الهی انسانی‌اش مصمم‌تر می‌کند. امیر مؤمنان (علیه السلام) تلاوت قرآن را سبب باروری ایمان دانسته و فرموده‌اند: «لِقَاحُ الْإِيمَانِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (تمیمی آمدی، ۱۱۱/۱۳۶۶). در این کلام معصومانه، نقش بسزای تلاوت در هدایت ایمانی و سلوک موحّدانه، به روشنی بازگو شده است. اهل لغت، گاهی از لقاح به «نطفه» تعبیر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۷/۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵۷۹/۲؛ راغب، ۱۴۱۲/۷۴۴)؛ گویی نقش تلاوت قرآن در رشد ایمان افراد، بسیار اساسی و پدرا نه است.

د. آثار تلاوت قرآن از منظر آیات

در آیات و روایات، آثار و برکات متعددی بر تلاوت قرآن مترتب شده است که به بیان برخی از این آثار پرداخته می‌شود. طبیعتاً آثار قرآنی، بر آثار روایی مقدم شده است.

۱. ایجاد ایمان و اشتیاق

یکی از آثار مترتب بر تلاوت قرآن، ایجاد ایمان است. در آیات مختلفی از قرآن به این مسئله اشاره شده است و بیان شده که افراد یا گروه‌های مختلفی بر اثر استماع آیات و تلاوت قرآن به ایمان گرویده‌اند. نمونه‌هایی از این دسته از آیات، اینچنین‌اند: در آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره احقاف، ایمان طایفه‌ای از جنیان بر اثر استماع قرآن ذکر شده است. در المیزان، این آیات، طعنه بر مشرکان دانسته شده؛ چراکه مشرکان، به کتابی که به زبان آنان نازل شده و معجزه بودنش را باور دارند کفر می‌ورزند؛ اما جنیان، با استماع آیات قرآن، ایمان آورده و برای معرفی و تبلیغ آن، به‌سوی قوم خود راهی می‌شوند. در آیات بعد نیز حکایت دعوت و انذار آنها در میان طایفه خود ذکر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶/۱۸).

همچنین داستان مسیحیانی که با شنیدن آیات قرآن، ایمان آوردند، نمونه‌ای است که نه تنها ایمان آنها را حکایت کرده، بلکه به شوق آنها نیز اشاره دارد. در قرآن کریم، ایمان و شوق این افراد چنین روایت شده:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس» (مائده: ۸۳).

شیرینی ایمان و اشتیاق پیوستن به آیین حق، سبب حلقه زدن اشک در چشمان این مؤمنان شده (کاشانی، بی‌تا، ۴۱۹/۵) و آنها را به این نیایش واداشته که: ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ «پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس».

پس منشأ ایمان اقوام و افرادی، استماع تلاوت قرآن است. البته روشن است که وجود مقتضی در به دست آمدن این امر مهم، کافی نیست؛ بلکه عدم مانع نیز برای تحقق ایمان لازم است که در برخی آیات، استکبار، از جمله موانع پذیرش حق شمرده شده است (مائده: ۸۲؛ ن.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۱/۶).



مقام معظم رهبری، تلاوتی را که ضابطه‌مند بوده و هنگام اجرا نیز صحیح پیاده شود، «شوق‌انگیز» وصف کرده‌اند: تلاوت‌هایی که شما قاریان با اسلوب زیبا و خوب اجرا می‌کنید، شوق‌انگیز است و ارزش دارد و جوان‌ها را به سمت قرآن هدایت می‌کند (-<https://farsi.khamenei.ir/speech>-). (content?id=3090).

۲. افزایش ایمان و اشتیاق و جاری‌شدن اشک

پس از شکل‌گرفتن اصل ایمان در قلب، انسان مؤمن باید به دنبال ازدیاد ایمان، ارتقای درجه، استحکام و نائل‌شدن به مراتب بالای آن باشد. نظر به آیات قرآن کریم، یکی از اسباب ازدیاد ایمان، استماع آیات قرآن است. در ابتدای سوره انفال، حقیقت ایمان، در پنج خصلت و ویژگی خلاصه شده است. صفاتی که انسان را برای رعایت تقوا، اصلاح ذات‌البین و اطاعت خدا و رسول آماده می‌کند، عبارتند از: ترسیدن و تکان خوردن دل در هنگام ذکر خدا، زیادشدن ایمان در اثر استماع آیات الهی، توکل، بر پا داشتن نماز و انفاق از آنچه که خدا به انسان روزی فرموده. درباره وصف ازدیاد ایمان، آیه به صراحت آن را در پی استماع تلاوت آیات الهی می‌داند. برخی مفسران، این نوع ازدیاد ایمان را کیفی می‌دانند، نه کمی. یعنی مؤمن هر چه بیشتر در آیات الهی تأمل کند، ایمانش قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/ص ۱۱-۱۲). در آیه «وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (توبه: ۱۲۴) نیز آشکارا به افزایش ایمان در قبال نزول قرآن اشاره کرده است. تبعاً قرآن پس از نزول، قرائت می‌شد و استماع آیات نیز سبب زیادت ایمان افراد می‌گشت. صاحب تفسیر تبیان، زیادت ایمان مؤمنان را در اثر نزول سوره‌های قرآن این‌گونه تبیین کرده که ایشان در مواجهه با آیات قرآن، آنها را تصدیق کرده و به الهی بودن آن و محتوای آن اعتراف کرده و معتقد می‌شوند. روشن است که زیادت وقتی معنا دارد که ابتدا اصل مسئله، موجود باشد تا اینکه افزایش، معنا پیدا کند (طوسی، بی‌تا، ۳۲۵/۵).

یکی از آثاری که استماع تلاوت قرآن بر انسان مؤمن می‌گذارد: جاری‌شدن اشک شوق بر دیدگان او است. مقدمه این انقلاب روحی، مسلماً پس از آمادگی فرد و باز بودن گوش جان او و آنگاه استماع آیات وحی است. این اثر، خود، منشأ بسیاری از اتفاقات نیک در فرد خواهد شد؛ اطاعت، عمل صالح، تعقل و شوق به وصال و لقاء حق. شاید بارزترین مصداق قرآنی این تحول شیرین و اشک‌سرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۶۶۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۵/۳)، مربوط به نصاری حبشه است. صاحب مجمع البیان، داستان نزول این آیات را در حق نصاری که از شام و حبشه همراه با جعفر بن ابی‌طالب به مدینه آمدند، می‌داند. در ضمن این نقل، ابتدا به قرائت آیات سوره مریم توسط جعفر در حضور پادشاه حبشه

و اذعان وی به حقانیت آن اشاره شده و در ادامه، قرائت سوره یس توسط رسول خدا بر گروه همراه جعفر در مدینه ذکر می‌شود. عکس‌العمل این گروه در برابر تلاوت کلام حق، پذیرش و ایمان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۶۱). مؤلف المیزان، روایتی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند که در آن به اسلام آوردن نجاشی پادشاه حبشه هم تصریح شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۸۶). علامه طباطبایی در خصوص ویژگی‌هایی که نصارا را به مؤمنین نزدیک می‌کند، تقریر مفصل و جالبی دارد. از جمله می‌نویسد: اینکه آنان نسبت به سایر ملل اُنس و محبتشان به مسلمین بیشتر است، سه چیز است که در سایر ملل نیست؛ یکی اینکه در بین ملت نصارا، دانشمند زیاد است. دوم اینکه زهاد و پارسایان فراوانی در بین آنها وجود دارد. سوم اینکه ملت نصارا مردمی متکبر نیستند. همین سه چیز است که کلید سعادت آنان و مایه آمادگی‌شان برای سعادت و نیک‌بختی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۸۰-۸۲).

اشک چشم، نشانه اشتیاق به قرب و ثواب الهی است. در برخی آثار معاصر، از گریه این گروه، به «اشک شوق» تعبیر شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۲/۲۸۷ و ۸/۵۲۹؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۵/۵۳ و ۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/۳۵۷ و ۴/۱۷۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵/۲۰۲). روایت برخی نویسندگان نیز از این جریان، روایتی همراه با عشق و اشتیاق است: «قسّیسین و راهبان مسیحی طالب حقیقت که سال‌ها در به‌در و مشتاق در پی یافتن حقیقت، متحمل صدمات و رنج فراوانی گشته‌اند، «آنان نسبت به دنیا رهبانیت را برگزیده‌اند و در برابر حق استکباری ندارند و هرگاه آنچه را که به سوی رسول خدا نازل شده است بشنوند، چشم‌هایشان را می‌بینی از اشک لبریز گشته است به جهت معرفتی که از حق دارند، می‌گویند: پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ما را در معیت شاهدین بر حق ثبت فرما». این مشتاقان در برابر ابهام بینندگان و سؤال آنان که از این صحنه به شگفت آمده‌اند — آنانی که از سوز و گداز رسیدن به معشوق و حیرت‌های مستمر در این مسیر بویی نبرده‌اند — می‌گویند: «و ما (عاشقان) را چه شده است که به خدا (معشوقمان) و آنچه از حقیقت به سراغ ما آمده است (پیام معشوق) ایمان نمی‌آوریم؟! (یعنی اگر عاشق با دیدن معشوق به سویش نشتابد: ای سؤال دارد، نه شتافتن به سویش) و (در پایان) چشم امید داریم که پروردگارمان ما را در معیت قوم صالح (در رحمت بی‌کران خویش) داخل نماید» (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۵۱۶).

مولی فتح‌الله کاشانی، به سجده‌های رسول خدا ﷺ هنگام تلاوت برخی آیات قرآن و قرائت دعای متناسب با همان آیه اشاره کرده و دعای سجده آن حضرت پس از تلاوت آیه: ﴿إِذَا ثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم: ۵۸) را چنین حکایت می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْهِمُ الْمَهْدِيِّينَ السَّاجِدِينَ لَكَ الْبَاكِينَ عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ». سپس چنین نقل می‌کند: و بعضی از اکابر امت



گفته‌اند که این سجده که به جهت تلاوت آیات رحمانی وقوع می‌یابد، سجود انعام عام است و گریه‌ای که متفرّع بر او است، گریه فرح و سرور؛ چه رحمت رحمانیت، مقتضی لطف و رأفت است و موجب تحبّب و مسرّت؛ پس نتیجه آن، طرب است، نه اندوه تعب (کاشانی، بی تا، ۱۹/۵).

از طرفی، نگرستن هنگام استماع قرآن نیز مورد نکوهش و توبیخ خدا قرار گرفته است: ﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ وَ أَنْتُمْ سَامِدُونَ﴾؛ آیا از این سخن عجب دارید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید؟ و شما در غفلتید. (نجم: ۵۹ - ۶۱؛ ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۸/۹). ابوالفتح رازی نقل کرده: ابو الخلیل گفت: تا این آیت آمد، رسول الله ﷺ را خندان ندیدند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۰۶/۱۸). دیلمی در ارشاد القلوب، چنین گوید: «و قد وَّخَّ اللهُ تَعَالَى عَلَى تَرْكِ الْبُكَاءِ عِنْدَ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ عِنْدَ قَوْلِهِ ﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ﴾ وَ مَدَحَ الَّذِينَ يَبْكُونَ عِنْدَ اسْتِمَاعِهِ بِقَوْلِهِ ﴿وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ خدای متعال نگریدن هنگام شنیدن قرآن را بازخواست و توبیخ کرده و فرموده: «آیا از این سخن (قرآن) عجب دارید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید؟» و در مقابل، آنانکه به وقت شنیدن قرآن، اشک می‌ریزند را ستوده و فرموده: «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۹۶/۱).

توجه به معنا توسط قاری قرآن و فهم آیات در تلاوت، زمینه منقلب شدن مخاطبان را فراهم می‌کند. رهبر معظم انقلاب در توصیه‌ای به قاریان، چنین فرموده‌اند: برادران قاری، هر آیه و هر قسمت از سوره‌ای را که می‌خواهند بخوانند، حتماً سعی کنند معنا و ترجمه آن قسمت را یاد بگیرند. این، در تلاوت تأثیر می‌گذارد. وقتی شما معنا را می‌دانید یک‌طور حرف می‌زنید و وقتی نمی‌دانید طور دیگری حرف می‌زنید. بفهمید که چه موضوعی را به مخاطبینتان می‌گویید. طوری بشود که: ﴿إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا ثَلِيثٌ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ باید این‌طور شود که ذکر خدا، در تلاوت‌ها و فهم آیات خدا، دل‌ها را منقلب کند. این، از هر موعظه‌ای بهتر است. کلام خدا، از هر موعظه‌ای بالاتر است. وقتی که ما احتیاج به موعظه داریم، کدام زبان رساتر و بلیغ‌تر و گویاتر از زبان کلام الهی است؟ قاری بخواند، ما هم بشنویم و بفهمیم و از موعظه لذت ببریم. «أَخِي قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹۲، نامه ۳۱)؛ دل را با شنیدن موعظه زنده کنید. هم قاری و هم مستمع باید بفهمند که چه خوانده می‌شود (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19549>).

۳. انذار

یکی از آثار شاخص تلاوت قرآن، اثر اندازی آن است؛ چنانکه یکی از ابعاد رسالت نیز مُنذر بودن رسولان است (برای نمونه، ن.ک: بقره: ۲۱۳؛ نساء: ۱۶۵؛ انعام: ۴۸؛ هود: ۲؛ احزاب: ۴۵). در قرآن کریم، شواهد فراوانی برای این معنا وجود دارد که به عنوان نمونه، مواردی ذکر می‌شود: «وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم» (انعام: ۱۹)؛ «وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محسور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفيعی نیست، باشد که پروا کنند» (انعام: ۵۱)؛ «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ فِي صَدْرِكَ حَزَجٍ مِنْهُ لِنُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.» (اعراف (۷): ۲)؛ «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» «این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم بایند و بدانند که او معبودی یگانه است، و تا صاحبان خرد پند گیرند.» (ابراهیم: ۵۲).

چنانچه مشهود است، در تمام موارد فوق، قرآن وسیله انذار معرفی شده و اگر رسول نیز انذاردهنده است، از طریق همین وسیله، هشدارهای الهی را به امت ابلاغ می‌کند. نکته قابل توجه اینکه از مضامین مختلف قرآن و از تصریح برخی آیات دیگر آن، به دست می‌آید که قرآن کریم هم جنبه تبشیری دارد و هم جنبه اندازی؛ اما در برخی آیات، فقط به وجه هشداري آن اشاره شده. صاحب تفسیر المیزان، در بیان علت ذکر این وجه از قرآن، یعنی هشداردهنده بودن آن، چنین می‌گوید: گر چه تطمیع و امیدوار ساختن مردم نیز راهی است برای دعوت انبیا و قرآن عزیز هم تا اندازهای این طریقه را به کار برده، لیکن اصولاً امیدواری، آدمی را به طور الزام وادار به طلب نمی‌کند و بیش از ایجاد شوق و رغبت در آدمی، اثر ندارد؛ به خلاف تخويف و تهدید که به حکم عقلی وجوب دفع ضرر احتمالی، احتراز از آنچه تهدید به آن شده واجب است و آدمی به دفع آن ملزم می‌شود. علاوه بر این، اگر مردم در گمراهی خود هیچ گونه تقصیری نمی‌داشتند، مناسب بود که دعوت الهی از راه تطمیع آغاز گردد، لیکن مردم در گمراهی خود مقصرند؛ برای اینکه دعوت اسلام، دعوت به دین فطرت، یعنی به دینی است که سرچشمه‌اش در نهاد خود بشر است و این خود او است که با دست خویش و با ارتکاب شرك و گناه، فطرت خود را پشت سر افکنده و شقاوت را بر دل خود چیره نموده و در نتیجه دچار سخط الهی شده است؛ و چون چنین است، حزم و حکمت اقتضا می‌کند که دعوت آنان از راه انذار و هشدار آغاز گردد و برای همین جهت بوده که در آیات بسیاری وظیفه رسول خدا ﷺ منحصر در انذار شده است، مانند آیه «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» (فاطر:



۲۳) و آیه «وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (عنکبوت: ۵۰). البته این مطلب، که گفته شد، در باره مردم عامی است؛ و اما خواص از مردم، یعنی آنان که خدای را از روی محبتی که به او دارند عبادت می‌کنند، نه از جهت ترس از آتش و یا طمع در بهشت، البته از خوف و رجا و تهدید و تطمیع که در دعوت دینی هست چیز دیگری تلقی می‌کنند. وقتی به تهدید از آتش برمی‌خورند، از آن آتش، آتش فراق و دوری از پروردگار و سخط وی را می‌فهمند و همچنین از شنیدن وصف بهشت، به نعمت وصل و قرب ساحت او و خشنودی او منتقل شده و مشتاق آن می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹/۷).

این نکته نیز روشن است که یکی از مهم‌ترین ابزار برای رساندن محتوای قرآن، تلاوت آن است. لذا این گروه فراوان از آیات، می‌توانند بر تأثیر لنداری تلاوت نیز دلالت کنند. به علاوه که در برخی آیات، بحث تلاوت و هشدار، به هم پیوند خورده است: «وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ» و (من مأمورم به) اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است؛ و هر که گمراه شود بگو: «من فقط از هشداردهندگانم.» (نمل: ۹۲). پس هشدار، پس از تلاوت صورت می‌گیرد.

از ویژگی‌ها و نتایج انذار، تغییر و دگرگونی دل‌هاست. مقام معظم رهبری، تلاوت مؤثری که نتیجه تلفیق فهم معنا و صوت خوش است را سازنده محیط جامعه و دگرگون‌کننده جان‌ها معرفی کرده‌اند: اگر می‌خواهید تلاوت شما از لحاظ تأثیر و ساختن محیط جامعه و تغییر و دگرگونی دل‌ها و جان‌ها موفق باشد، یکی از شرایط مهم و اصلی‌اش این است که خواننده قرآن با مضمون آیه‌ای که می‌خواهد تلاوت کند، کاملاً آشنا باشد و طوری بخواند که گویی با صدای خوش خود می‌خواهد آن مضمون را برای مخاطب تصویر و ترسیم کند (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۰۰).

۴. تذکر

یکی از کارکردهای قرآن کریم، متذکرکردن مخاطبان خود است. اساساً «ذکر»، یکی از نام‌های شایع قرآن است و آیاتی که از کتاب الله به‌عنوان ذکر، یاد کرده‌اند بسیار است؛ برای نمونه: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر ۱۵: ۹)؛ «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). از طرفی، یکی از شؤون پیامبر اکرم ﷺ نیز متذکر ساختن انسان‌ها شمرده شده: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه: ۲۱)؛ و جالب اینکه در برخی آیات، وسیله این تذکر پیامبر، قرآن معرفی شده است: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدَ» (ق: ۴۵). روشن است که این ابلاغ و تذکر نیز، در آغاز بعثت، منحصر در روش تلاوت قرآن بوده و سپس روش کتابت هم به آن افزوده گشته است. بحث محوریت تلاوت در بعثت رسول خدا ﷺ پیش از این، به تفصیل گذشت.

این تذکار، گر چه متوجه همگان است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ص: ۸۷؛ قلم: ۵۲؛ تکویر: ۲۷)، اما برخی انسان‌ها از آن روی گردان شده و بر خطاهای خود اصرار می‌ورزند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا» (کهف: ۵۷؛ همچنین ن.ک: سجده: ۲۲؛ صافات: ۱۳). تنها، بندگان خدای رحمان در برابر تذکرات قرآن، روحیه پذیرش دارند: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» (فرقان: ۷۳)؛ «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (سجده: ۱۵).

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که دو اثر گفته شده، یعنی انذار و تذکر، در کنار هم در یک آیه جمع شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلُ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِيُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است – پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد – تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.» (اعراف (۷): ۲).

متذکر شدن افراد، هنگامی محقق می‌شود که احساس کنند آیات قرآن و مفاهیم آن، زنده است. همین مسئله، توصیه مقام معظم رهبری است به تالیان کتاب الله. ایشان در دیداری با قاریان و فعالان قرآنی چنین فرموده‌اند: هر چه می‌توانید تعلیم و تعلم قرآن را زیاد کنید؛ معانی قرآن، مفاهیم قرآن، اینها را زنده کنید. این را من به تلاوتگران عزیزمان... عرض می‌کنم که در کیفیت خواندن، مفهوم آیات قرآنی را مجسم کنید (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36663>).

۵. خروج از ظلمات

یکی از اهداف ارسال رسل و انزال کتب، خارج نمودن انسان‌ها از ظلمات به سوی نور است (هاشمی رفسنجان، ۱۳۸۳: ۵۷۱/۳۱)؛ از تاریکی‌های تحیر و کفر، به سوی نور ایمان و نجات (طوسی، بی تا، ۴۷۵/۳)؛ و از جهل و شک، به یقین (کاشانی، بی تا، ۲۰۷/۳). خدای متعال، این غایت را گاهی به خود نسبت داده است (بقره: ۲۵۷) و گاهی به رسول یا کتاب (ابراهیم: ۱؛ حدید: ۹). این تنوع برای آن است که سبب حقیقی را در خارج کردن انسان‌ها از ظلمت به نور روشن کند و غیر مستقل بودن رسول و کتاب را بفهماند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۶/۵). حال، توجه به این نکته بایسته است که تلاوت کلام الله ابزاری است که در این عملیات نقش بسزایی داشته و موجب رسیدن محتوای نورانی قرآن به مخاطبان و نجات آنها از تحیر و کفر و جهل می‌شود. در تفسیر نمونه آمده: هدف نهایی از ارسال این رسول و انزال این کتاب آسمانی این است که با تلاوت آیات الهی، آنها را از ظلمت‌های کفر و جهل و گناه و فساد اخلاق بیرون آورده، به سوی نور ایمان و توحید و تقوا رهنمون گردد و در حقیقت، تمام اهداف بعثت پیغمبر ﷺ و نزول قرآن در همین يك جمله خلاصه شده: خارج کردن از ظلمت‌ها به نور (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۵۸/۲۴).



به نظر، چهار آیه در این ارتباط، قابل بررسی است:

۱. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنائی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.» (مائده: ۵-۱۶)؛

۲. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» [این کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه پروردگارشان از تاریکی‌ها [ی جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشنائی [معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدای] توانای شکست‌ناپذیر و ستوده بیرون آوری.» (ابراهیم: ۱۴: ۱)؛

۳. «هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ» «او کسی است که آیات روشنگری بر بنده‌اش فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛ و قطعاً خدا [نسبت] به شما مهربانی مهرورز است.» (حدید: ۹)؛

۴. «رُسُلًا يَلْقَوْنَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» «رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد» (طلاق: ۱۱)؛

در آیه نخست (مائده: ۱۵-۱۶)، هدایت و اخراج از ظلمات، به خدا نسبت داده شده؛ اما تعبیر «یهدی به»، وسیله هدایت الهی را که به احتمال بسیار زیاد کتاب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۳۹۸)، روشن ساخته است و چون عبارت «وَيُخْرِجُهُمْ» نیز پس از آن آمده، بعید نیست که بتوان این فعل الهی را نیز به سبب هدایت‌های آیات قرآنی دانست. در آیه دوم (ابراهیم: ۱۴): (۱) بدون تردید اخراج به رسول اکرم ﷺ نسبت داده شده، اما این نسبت بلافاصله پس از مسئله انزال کتاب مطرح شده است و می‌توان همان آلیت را از آن استفاده کرد؛ چنانچه ابوالفتح رازی چنین معنا کرده (رازی، ۱۴۰۸: ۱۱/۲۴۷). در آیه سوم (حدید: ۹)، بنا به گفته غالب مفسران دو احتمال (رازی، ۱۴۰۸: ۱۶/۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹/۱۵۲) و بنا به نقل طبرسی، سه احتمال وجود دارد که اخراج به خدا، رسول یا قرآن برگردد (طبرسی، مجمع البیان: ۳۵۰/۹)، اما در هر صورت، پیش از اخراج، سخن از تنزیل آیات است و اتفاقاً اخراج نیز بر تنزیل متفرع شده است: «لِيُخْرِجَكُم»؛ برای همین، در برخی تفاسیر، «قرآن» را وسیله اخراج دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۳۵۰؛ کاشانی، بی تا، ۹/۱۷۰). در آیه

چهارم (طلاق: ۱۱) نیز در مرجع ضمیر فاعلی، دو احتمال وجود دارد (رازی، ۱۴۰۸: ۱۹/۲۸۰)؛ یعنی اخراج می‌تواند به خدا یا به رسول منتسب باشد؛ البته این آیه نسبت به آیات پیشین بحث، ویژگی مهمی دارد که در آن، اخراج از ظلمات به نور، متفرّع بر «تلاوت» شده است (يُتْلُوا عَلَيْكُمْ... لِيُخْرِجَ) و همین نکته، شاید قرینه فهم صحیح آیات دیگر نیز باشد که گر چه این اخراج توسط خدا یا رسول یا کتاب است، اما از طریق تلاوت قرآن صورت می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰/۱۱۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۱۲/۲۱). پس می‌توان یکی از آثار تلاوت قرآن را، خارج شدن از ظلمت‌ها به سوی نور دانست (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۵۸).

مقام معظم رهبری، مسئله خروج از ظلمات به سوی نور را که در آیات متعددی از قرآن بیان شده، تحولی همه‌جانبه در زندگی انسان می‌دانند؛ اعم از فردی، اجتماعی و هدفگیری <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=۱۴&aya=۷&npt=۱> (۹۶۴#۱). از طرفی دیگر قاریان را مکلف به القاء مفاهیم به شنوندگان تلاوت کرده و فرموده‌اند: شما [تالیان قرآن] می‌خواهید با تلاوتتان، مفاهیم قرآنی را به مستمع القاء کنید. درست است که غالب مستمعین شما عربی و زبان قرآن را نمی‌دانند، اما معجزه قرآن این است که اگر با همین وضعیّت هم - درحالی‌که آنها نمی‌دانند - این آیات را با عمق جان و با شرایط القاء کنید، مفاهیم ولو به نحو اجمال به ذهنها منتقل خواهد شد. خب، این طبعاً شرایطی دارد (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29983>).

۶. هدایت و رشد

از جمله آثار تلاوت قرآن که به ذات نورانی کلام الله برمی‌گردد، هدایت انسان‌ها و رشد و تعالی بخشیدن به ایشان است. در واقع، تلاوت قرآن رسانه‌ای شگفت است که می‌تواند این هدف والا را تحقق بخشد. در قرآن کریم، سخن از هدایت بودن کتاب، فراوان مطرح شده است. از اوصاف بارز و پُر تکرار کلام الله، «هُدًى» است (بقره: ۲ و ۱۸۵؛ یونس: ۵۷؛ نحل: ۶۴ و ۸۹؛ نمل: ۲؛ لقمان: ۳). در برخی آیات، هدایت به قرآن منتسب شده: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ «قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود.» (اسراء: ۹)؛ شیخ طوسی گوید: این قرآنی که خدا بر پیامبر ﷺ نازل کرده، دلالت و راهنمایی می‌کند به تمام راه‌های الهی از قبیل توحید، عدل، پذیرش پیامبران، عمل به شریعت، انجام طاعات و ترک معصیت‌ها و همین قرآن، اهل ایمان را به سبب فرمان‌بری آنها به پاداشی بزرگ نوید می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ۴۵۲/۶ - ۴۵۳). علامه طبرسی، هدایت قرآن را به سوی دیانت و ملت و مستحکم‌ترین راه دانسته (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۱۸).



از برخی آیات دیگر استفاده می‌شود که قرآن یکی از ابزار و وسایلی است که خدا از آن برای هدایت موجودات بهره می‌برد. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»؛ «قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود» (مائده: ۱۶). مرحوم ابو الفتوح در تفسیر این آیه گفته: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ»، به شما آمد از خدای تعالی نوری یعنی رسول ﷺ، «وَكِتَابٌ مُبِينٌ»، یعنی «قرآن» که کتابی است بیان‌کننده» (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۰۶/۶). سپس در مرجع ضمیر «به» سه احتمال را مطرح کرده است: «و روا بود که ضمیر عاید باشد الی کلّ واحد منهما و روا بود که الی اقرب المذكورین باشد و آن کتاب است و روا بود که الی اهمّ المذكورین باشد و اگر چه ابعد باشد» (همان، ۳۰۷). مرحوم فیض، در بیان مقصود از نور، دو نظریه را مطرح کرده؛ یکی پیامبر ﷺ و دیگری خود قرآن؛ مؤید نظر دوم که مقصود از هر دو، قرآن باشد، ضمیر مفرد در «به» است. ایشان در ادامه به روایتی از تفسیر قمی اشاره می‌کند که مقصود از نور را، امیر مؤمنان و ائمه علیهم السلام دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۲).

در آیات مربوط به مواجهه جَنّان، تصریح شده که هدایت قرآن کریم، پس از استماع قرآن برای آنان منکشف شد: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ قَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»؛ «بگو: به من وحی شده است که تنی چند از جَنّان گوش فرا داشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم. [که] به راه راست هدایت می‌کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد.» (جن: ۱-۲)

روشن است که استماع در پی تلاوت اتفاق می‌افتد. پس می‌توان یکی از آثار تلاوت قرآن را، هدایت دانست. در منهج الصادقین، رشد راستی و صواب دین و دنیا دانسته شده است (کاشانی، منهج الصادقین: ۲۹/۱۰). مرحوم فیض، رشد را حق و صواب معرفی کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۵). علامه طباطبایی گوید: «و الرشدُ إصابةُ الواقع و هو خلاف الغي، و هدايةُ القرآن إلى الرشدِ دعوته إلى عقائد و أعمالٍ تتضمنُ للمتلبس بها سعادته الواقعية»؛ کلمه رشد به معنای رسیدن به واقع در هر نظریه است، که خلاف آن یعنی به خطا رفتن از واقع را «غی» می‌گویند؛ و هدایت قرآن به سوی رشد، همان دعوت او است به سوی عقاید حق و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۸/۲۰).

مسئله هدایت و به‌ویژه هدایت جوانان، امری است که می‌توان آن را با تلاوتی در اسلوب زیبا محقق ساخت. پیش از این نیز این فرمایش رهبر معظم انقلاب گذشت که فرموده‌اند: تلاوت‌هایی که شما

قاریان با اسلوب زیبا و خوب اجرا می‌کنید، شوق‌انگیز است و ارزش دارد و جوان‌ها را به سمت قرآن هدایت می‌کند (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۰۹۰).

۷. اطمینان قلب

اطمینان و آرامش، یکی از آرزوها و مطلوبات بشر است. بسیاری از انسان‌ها در طول حیات خود به دنبال رسیدن به روانی آرام هستند و اساساً یکی از شعارها و اهداف مکاتب و ادیان، همین وعده و محقق ساختن همین آرزو است. در قرآن کریم، از این مسئله، غالباً با دو واژه «اطمینان» و «سکینه» یاد شده است.

قرآن کریم، اطمینان و سکینه را افاضه الهی به قلب رسولان خود و اهالی ایمان می‌داند (توبه (۹) ۲۶). البته راه رسیدن به این اطمینان را منحصر در «ذکر الله» معرفی فرموده: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد (۱۳): ۲۸). از طرفی، یکی از اسامی قرآن کریم، «ذکر» است. عمده مفسران در مقدمه تفاسیر یا به مناسبت، واژه «ذکر» را از اسامی قرآن کریم شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴/۱؛ کاشانی، بی‌تا، ۶/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶/۱۲) که در آیاتی چند، از قرآن کریم مقصود و منظور گردیده است (آل عمران: ۵۸؛ حجر: ۶ و ۹؛ نحل: ۴۴؛ یس: ۱۱؛ ص: ۸؛ زخرف: ۵ و ۴۳). علامه طباطبایی تصریح می‌کند: «از اسامی قرآن، هیچ اسمی در دلالت بر آثار و شؤون قرآن، مانند اسم «ذکر» نیست، به همین جهت در آیاتی که درباره حفظ قرآن از زوال و تحریف صحبت می‌کند، آن را به نام ذکر یاد نموده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶/۱۲). سهم تلاوت قرآن که مهم‌ترین ابزار رساندن این محتوای آرامش‌بخش به قلب مخاطبان است، در ایجاد و افزایش آرامش، بسزاست. قلب با دریافت پیام تلاوت قرآن از مغز، در مقام تصمیم‌گیری برمی‌آید و با حاکم شدن سکینه و آرامش، ارمغان و آرزوی خود را می‌یابد. در سلیه آرامش، اطاعت و عبودیت خالصانه نیز شکل می‌گیرد.

در مقابل، قلب قاسی است که در بسیاری از آیات قرآن، مورد نکوهش واقع گشته و سبب عذاب الهی شمرده شده است. بجاست که برای نمونه، در یکی از این آیات، دقت شود: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از نوری که پروردگار می‌باشد [همانند فرد تاریک‌دل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند؛ اینانند که در گمراهی آشکارند.» (زمر: ۲۲).



عاملی، «مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» را «مِنْ أَجْلِ سَمَاعِ الْقُرْآنِ» معنا کرده است؛ یعنی آنها بر اثر شنیدن قرآن، نفرت و قساوت گرفتند (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۳). سید شبر می‌نویسد: «این قساوت، به واسطه ذکر خدا در قلب آنها ایجاد می‌شود، چون وقتی در نزد آنها، خدا یاد می‌شود و برای آنها قرآن قرائت می‌شود، قساوتشان افزایش پیدا می‌کند» (شبر، ۱۴۱۰: ۴۳۴). همان آیاتی که در برخی قلوب، ایجاد سکینه و نرم‌دلی می‌کند، در برخی دیگر، سنگ‌دلی به بار می‌آورد و این، نیست مگر به سبب نافرمانی‌ها و لجاجت‌ها در برابر حق: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً...»؛ «پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم» (مانده: ۱۳).

خشیت از پروردگار نیز که در آیات زیادی مطرح شده، نهایتاً انسان را به نرم‌دلی و آرامش قلب می‌رساند. تمجید متصفین به این وصف، در سوره زمر، قابل توجه است: «اللَّهُ تَزَلَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ»؛ «خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا، هر که را بخواهد، به آن راه نماید؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست» (زمر: ۲۳).

علامه طباطبایی معنای این آیه را چنین تقریر کرده: کلمه «تقشعر» از مصدر اقشعرار به معنای جمع شدن پوست بدن است به شدت، از ترسی که در اثر شنیدن خبر دهشت‌آور و یا دیدن صحنه‌ای دهشت‌آور دست می‌دهد. این جمع شدن پوست بدن اشخاص در اثر شنیدن قرآن، تنها به خاطر این است که خود را در برابر عظمت پروردگارشان مشاهده می‌کنند. پس در چنین وضعی وقتی کلام خدا را بشنوند، متوجه ساحت عظمت و کبریایی او گشته و خشیت بر دل‌هایشان احاطه می‌یابد و پوست بدن‌هایشان شروع به جمع شدن می‌کند.

کلمه «تَلِين» متضمن معنای سکون و آرامش است، چون اگر چنین نبود احتیاج نداشت که با حرف «الی» متعدی شود، پس معنایش این است که: بعد از جمع شدن پوست‌ها از خشیت خدا، بار دیگر پوست بدنشان نرم می‌شود و دل‌هایشان آرامش می‌یابد، چون به یاد خدا می‌افتند و با همان یاد خدا آرامش می‌یابند. [...] جمله «ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ» یعنی این حالت جمع شدن پوست از شنیدن قرآن که به ایشان دست می‌دهد و آن حالت سکونت پوست‌ها و قلب‌ها در مقابل یاد خدا، هدایت خداست؛ و این، تعریف دیگری است برای هدایت از طریق لازمه آن (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۶/۱۷).

حاصل، اینکه از جمله آثار تلاوت قرآن، ایجاد و استمرار اطمینان و آرامش است. مقام معظم رهبری تلاوت را سبب نفوذ مفاهیم قرآن کریم در دل‌ها می‌دانند و روشن است که قلب با پذیرفتن این مفاهیم نورانی به رنگ و بوی قرآن درآمده و در نتیجه به آرامش رهنمون می‌شود. بخشی از فرمایش معظم له چنین است: تلاوت قرآن با صوت خوش و با لحن خوب و با آداب و رسوم تلاوت، مقدمه‌ای است برای نفوذ مفاهیم قرآن در دل‌ها. اگر این فایده را [از آن] بگیریم و به تلاوت قرآن به‌عنوان یک خوش‌صدایی و یک آوازه‌خوانی فقط نگاه کنیم (میرزاخانی، ۱۴۰۱، ۲۵۵)، مطمئناً از این رتبه والا سقوط خواهد کرد. این همه تأکید بر اینکه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با لحن مطلوب بخوانند، برای این است که مفاهیم قرآن در دل‌ها اثر کند، با قرآن انس بگیریم، به رنگ قرآن و به خلق قرآن و به شکل قرآن در بیاییم. اگر این مقصود است، پس یک شرایطی دارد، یک آدابی دارد. اولین ادب، این است که خواننده قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهیم قرآن، باور آن مفاهیمی که دارد تلاوت می‌کند، تلاوت کند. اگر ندانیم چه داریم می‌خوانیم، مفهوم را درک نکنیم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، [آن وقت] تأثیر تلاوتمان بر روی دیگران و بر روی خودمان کم خواهد بود (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29983>).

۸. خشوع و خشیت قلب

نرمی قلب در برابر حق و سرسپردن به آن را خشوع می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۷/۹). این ارزش والا، مطلوب هر مؤمنی است و به دنبال اسباب و موجبات آن است. خدا در قالب یک عتاب، مؤمنان را به خشوع در برابر قرآن فرامی‌خواند و در حقیقت، یکی از اسباب ایجاد خشوع در دل را معرفی می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛ «آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟» (حدید: ۱۶).

روایاتی از ابن عباس و ابن مسعود نیز بیان‌گر این معنا است که این عتاب بر اثر قساوت قلبی بود که به مرور در دل اهل ایمان رخ داده بود (کاشانی، بی‌تا، ۱۷۷/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۶: ۱۷۵/۶). همچنین از آیات قرآن کریم، چنین استفاده می‌شود که داشتن وصف خشیت هم یکی از مقدمات ضروری برای پذیرش تذکرها و اندازها است. این تذکرها ممکن است از ناحیه انبیاء الهی صورت



بگیرد و ممکن است از مواجهه انسان با هر یک از آیات الهی اتفاق بیفتد؛ اما مهم، داشتن روحیه پذیرش و آمادگی قلبی برای متذکر شدن است و این مهم، در سایه داشتن خشیت تضمین می شود. در سوره طه، خدا قرآن را فقط مایه تذکر خدا ترسان معرفی می کند و اشاره به رنج زیاد پیامبر در ترویج قرآن و تلاش برای ایمان افراد می کند: «طه * مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى * إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَى»؛ طه؛ قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی؛ ز اینکه برای هر که می ترسد، پندی باشد» (طه (۲۰): ۱-۳). هر چند قرآن مذکر همه مکلفان است، اما پندگیرنده، همگان نیستند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهُ»؛ «تو فقط کسی را که از آن می ترسد، هشدار می دهی» (نازعات: ۴۵). در تفسیر الثمرات الیانه نیز تخصیص پندگیری به اهل خشیت را چنین توضیح داده: «خَصَّ مَن يَخْشَى لِأَنَّهُمُ الْمُتَنَفِعُونَ بِذَلِكَ، وَإِلَّا فَهُوَ تَذَكُّرَةٌ لِلْجَمِيعِ»؛ «سبب این اختصاص اینست که فقط اهل خشیت اند که از قرآن بهره برداری می کنن؛ وگرنه قرآن، برای همگان پند است» (ثلائی، ۱۴۲۳: ۱۴۷/۴).

در سوره اعلی نیز، پس از امر خدا به پیامبر برای تذکر دادن، تنها کسانی را برخوردار و منتفع از آن می داند که وصف خشیت داشته باشند: «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَكِّرْ مَن يَخْشَى * وَيَتَجَبَّبُهَا الْأَشْقَى»؛ «پس پند ده، اگر پند سود بخشد؛ آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد» (اعلی: ۹-۱۱). مرحوم مغنیه گفته: «پند دادن یقیناً به حال کسی سودمند است که بیم از خدا وی را بیدار کند و از پند ولندرز، کسی روی برنمی گرداند، مگر آن انسان بدبختی که شهوت ها حسّ بینایی او را از کار انداخته و بدبختی بر او چیره شده باشد» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۵۳/۷).

آیات صریح دیگری نیز در این خصوص وجود دارد: «إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَفَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ «[تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می ترسند و نماز برپا می دارند، هشدار می دهی؛ و هر کس پاکیزگی جوید تنها برای خود پاکیزگی می جوید، و فرجام [کارها] به سوی خداست» (فاطر: ۱۸). آیت الله مکارم می نویسد: «تا در دلی خوف خدا نباشد و در نهان و آشکار احساس مراقبت یک نیروی معنوی بر خود نکند، و با انجام نماز که قلب را زنده می کند و به یاد خدا می دارد به این احساس درونی مدد نرساند، اندازهای انبیاء و اولیاء بی اثر خواهد بود» (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۲۷/۱۸)؛ و آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ»؛ «بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد. [چنین کسی را] به آموزش و پاداشی پر ارزش مژده ده» (یس (۳۶): ۱۱). علامه طباطبایی نوشته: «مراد از خشیت رحمان به غیب، خشیت از خدا در عالم ماده، یعنی در پس پرده مادیت است قبل از آنکه با مرگ یا قیامت، حقیقت مکشوف گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۵/۱۷). در این آیات نیز، با کلمه «إِنَّمَا» پندپذیری محصور در متصفین به وصف خشیت شده است.

تقابل استکبار با خشوع و خشیت قلب

یکی از نکات مهم در مطالعه آیات مربوط به بحث، این است که در سرتاسر قرآن، عدم رعایت وصف خشوع که همان اتصاف به صفت استکبار است، مورد مذمت واقع شده. از علت إباء ابلیس از فرمان الهی گرفته (بقره (۲): ۳۴؛ اعراف (۷): ۱۳؛ سوره ص (۳۸): ۷۴) تا سبب غرق شدن فرعون (یونس (۱۰): ۷۵؛ مؤمنون (۲۳): ۴۶؛ عنکبوت (۲۹): ۳۹) و نشانه شناخت منافقان (منافقون (۶۳): ۵). برخی آیات، عبارتند از:

۱. ابتلاء امت ناسپاس حضرت نوح (علیه السلام) به ردیله استکبار: ﴿وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغَفَّرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾؛ «و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش هایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر، بر کبر خود افزودند» (نوح: ۷). صاحب مجمع البیان، این آیه را چنین شرح داده: نوح گوید: و من هر گاه ایشان را به اخلاص عبادت خواندم که گناهانشان را ببخشی، انگشتانشان را در گوش هایشان قرار می دادند تا سخن و دعوت مرا نشنوند و صورتشان را پوشیده که مرا نبینند و بر کفرشان ادامه می دادند. و تکبر ورزیده و از قبولی حق سرپیچی می کردند. اصرار، اقامه و پایداری بر امر است به قصد و تصمیم ماندن بر آن؛ و چون آنها عازم و مصمم بر کفر خویش بودند، اصرار کنندگان بر کفر شدند. علامه طبرسی در ادامه، قول قتاده را نقل کرده و می گوید: بعضی از مردان آنها، پسرش را نزد نوح (علیه السلام) برده و به او می گفت: پسر، از این مرد دوری کن و بترس، مبادا که تو را فریب دهد؛ پدر من مرا که مانند تو جوانی بودم پیش این آورده و همین طور که من تو را از او حذر می دهم پدرم هم مرا از وی حذر می داد (طبرسی، بی تا، ۳۳۳/۲۵ - ۳۳۴).

همچنین بسیاری از مخالفان انبیا، در این ویژگی ردیله مشترک اند (نساء: ۱۷۳؛ اعراف: ۳۴ و ۴۰ و ۷۵ و ۷۶ و ۸۸ و ۱۳۳؛ یونس: ۷۵؛ مؤمنون: ۴۶؛ فرقان: ۲۱؛ عنکبوت: ۳۹؛ فصلت: ۱۵).

۲. اسارت برخی معاصران پیامبر خاتم (علیه السلام) در بند استکبار: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾؛ «و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشداردهنده ای برای آنان بیاید، قطعاً از هر يك از امت ها [ی دیگر] را فاش تر شوند، و [لی] چون هشداردهنده ای برای ایشان آمد: ز بر نفریشان نیفزود. [انگیزه] این کارشان فقط گردن کشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود؛ و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فاطر: ۴۲ - ۴۳).



۳. استکبار، مانعی سخت در برابر شنیدن تلاوت: در دو آیه که کاملاً و مستقیماً به بحث تلاوت قرآن و تأثیر یا عدم تأثیر آن در نفوس مربوط است، آشکارا از «استکبار» به عنوان سبب عدم تأثیر پذیری در برابر آیات تلاوت شده در برخی افراد یاد شده است: «وَ إِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ «و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش‌هایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده!» (لقمان: ۷)؛

«يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُثْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او تلاوت می‌شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است؛ چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده!» (جاثیه: ۸).

به نظر می‌رسد که سبب استکبار این افراد، خلاصه‌وار در این آیه بیان شده است: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ»؛ «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! همه اینها) به خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!» (اعراف: ۱۴۶).

ملا صدرا در تفسیر خود، در نکوهش دنیاطلبی، بحثی درباره حبّ جاه مطرح کرده و روایاتی ذکر می‌کند؛ آنگاه می‌نویسد:

از مسائل روشن برای آگاهانی که بر دست آوردن معارف قطعی مطلع‌اند، اینست که حبّ جاه و علاقه به تکبر و ورزیدن، دل‌ها را از مطالعه آیات و دیدن حقیقت‌ها باز می‌دارد، همانطور که خدا فرموده: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۱۹۰/۷).

نتیجه بررسی این آیات، نشان‌گر اهمیت وصف خشوع و خشیت در قلب و تأثیر آن در هدایت قلب به سوی پذیرش حق است. تلاوت آیات قرآن کریم، نسیمی از خشوع و خشیت را روانه دل می‌کند و این، دل آماده است که دستور تحرّک و عمل مطابق با پذیرش عظمت پروردگار را به همه وجود آدمی صادر می‌کند. البته در کنار تشویق‌ها به سوی خشوع و خشیت، لازم است که به هشدار برای دوری از استکبار نیز توجه داشت.

یکی از توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری به قراء، تلاوت خاشعانه است. ایشان در یکی از محافل انس با قرآن فرمودند: قرآن را... باید با خشوع خواند. قرآن را اگر چنانچه بدون خشوع و با غفلت انسان بخواند، خیلی چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هیچ چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هم خدای نکرده اثرات عکس می‌بخشد. انسان قرآن را با توجه، با خشوع، با اعتماد به بیان الهی - خدای متعال به وسیله قرآن دارد با شما حرف می‌زند - به این کیفیت تلاوت بکند، آن وقت لذت قرآن بر جان انسان می‌نشیند. ما اگر کشف کنیم لذت تلاوت قرآن را، واقعاً دست بر نمی‌داریم از تلاوت قرآن. مهم این است که تلاوت قرآن خودش را به ما نشان بدهد و آن لذاتی را که در خواندن آیات و تدبیر در آیات الهی و در کلمات قرآن وجود دارد، انسان در جان خودش احساس کند. اگر بخواهیم این حاصل بشود، با خشوع باید قرآن را خواند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45910>).

ایشان در جای دیگری تلاوت ضابطه‌مند را موجب نزدیک شدن انسان به خشوع و تضرع برشمرده و چنین توصیه می‌کنند: این لحن‌ها و آهنگ‌ها خوب است؛ این‌ها چیزهایی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می‌کند و در نفوذ قرآن تأثیر می‌گذارد؛ منتها دو جور می‌شود این آهنگ‌های گوناگون را با این صداهای خوب، اداء کرد: یکی اینکه صرفاً کسی خوانندگی می‌کند؛ این یک جور است؛ داریم توی این قراء معروف مصری - که حالا برجستگان قراء هستند - بعضی اینجوری‌اند؛ صرفاً خوانندگی است؛ خوب هم می‌خوانند صداها هم خوب است، لحن‌ها و آهنگ‌ها هم خوب است. یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند - با همین صوت‌ها، با همین لحن‌ها و آهنگ‌ها - که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: ﴿وَإِذَا ثَلِثَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع و تضرع نزدیک کند؛ اینجوری هم داریم. در همین قراء معروفی که هستند، بعضی‌شان اینجوری‌اند؛ خواندنشان، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوان‌ها که بحمدالله هم صداهای خوبی دارید، هم تسلط خوبی، هم می‌فهم که این آیاتی را که می‌خوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید. قبل‌ها اینجور نبود؛ سال‌های دهه اول انقلاب اینجور نبود؛ صداهای خوبی هم بود، می‌خواندند، اما توجه به معانی و مفاهیم غالباً نداشتند. بحمدالله حالا این پیشرفت‌ها جوان‌ها را پیش آورده. اینها خوب است؛ منتها این را هم رعایت کنید و در ضوابط تلاوت خودتان بگنجانید، تا این خشوع به وجود بیاید (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=78772>).



۹. سجده و بکاء

چنانچه مؤمن، به واقع، خود را مخاطب قرآن ببیند و کوچکی خویش در برابر عظمت‌های هستی و کبریائی خالق را درک نماید، تنها عکس‌العمل مناسب او، به خاک افتادن است. سجده و خُرو در آیاتی از قرآن کریم، ذکر شده است. از جمله، آیه:

«إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛ «تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند.» (سجده: ۱۵)

«خر» بنا به تحقیق راغب اصفهانی، از ماده خَریر است که به معنی صدای آب و مانند آن است که از بلندی به زیر می‌ریزد و به کار بردن این تعبیر در مورد سجده‌کنندگان، اشاره به این است که آنها در همان لحظه که برای سجده به زمین می‌افتند صدایشان به تسبیح بلند است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۷۷).

در این آیه و آیه پس از آن، ایمان حقیقی به کسانی منحصر شده که دارای اوصافی هستند: تذلل و خضوع در برابر مقام ربوبیت پروردگار؛ ثنای جمیل پروردگار و تنزیه او از هرگونه نقص؛ عدم استکبار؛ پرداختن به عبادت و اجتناب از خواب کامل؛ خولدن خدا از روی خوف و به شوق رحمت؛ و انفاق برای خدا و در راه خدا. در تفسیر تبیان آمده: خدا در این آیه، مؤمنانی که از ایمان حقیقی و کامل به آیات و حجت‌های الهی برخوردارند را اینچنین وصف کرده: هنگامی که برای ایشان حجت‌های الهی یادآوری می‌شوند و آیات پروردگار بر ایشان تلاوت می‌شود، بی‌اختیار به سجده می‌افتند تا شکرگزار هدایت الهی در شناختش و نعمت‌های متنوعش بر ایشان باشند. آنها خدا را از شرک به او و صفت‌های ناروایی که به او نسبت داده می‌شود تنزیه کرده و او را حمد می‌کنند در حالی که استکبار و روی‌گردانی از طاعتش ندارند (طوسی، بی‌تا، ۳۰۱/۸).

در آیه‌ای دیگر نیز سجده، از اوصاف عالمان اهل کتاب در برابر تلاوت قرآن معرفی شده است: «قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا»؛ «بگو: [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند.» (اسراء: ۱۰۷).

صاحب منهج نوشته «و بعضی این سجده را سجده علماء گفته‌اند؛ که یکی از اکابر فرموده که هر که او را علمی باشد و آن علم وی را به گریه نیاورد، علم، وی را نافع نباشد بلکه سبب ضرر او باشد.» (کاشانی، بی‌تا، ۳۱۲/۵). قبل از وی، ابوالفتوح رازی نیز همین مضمون را بیان کرده (رازی، ۱۴۰۸: ۲۹۹/۱۲). طبری، این مطلب را به عبدالاعلی تیمی نسبت داده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۱۵).

در آیه سوره مریم نیز، به سجده و گریه بندگان برگزیده خدا در مقابل تلاوت و دریافت آیات الهی تصریح شده است (مریم: ۵۸). حتی برخی فقیهان از این آیه، ترغیب یا استحباب سجده و گریه را هنگام شنیدن آیات الهی استفاده کرده‌اند (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۱۴۵). ملا فتح الله کاشانی از سجده‌های رسول خدا ﷺ و دعا‌های ایشان در سجده سخن گفته است. وی هر یک از دعا‌های حضرت را در سجده، متناسب با مضمون همان آیه سجده‌دار (مستحب یا واجب) بیان کرده است (کاشانی، بی‌تا، ۱۳۹۵/۵).

پس اتصال و ارتباط سجده با تلاوت، سیره‌ای معنوی و سازنده در همه مؤمنان و اولیا و انبیا است. در آداب دینی، گریه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حتی در آداب دعا، به‌عنوان برترین ادب و نشانه رقت قلب و اخلاص دانسته شده است (ابن فهد حلی، ۱۶۷/۱۴۰۷). در مقابل: مودعین (سختی چشم از گریستن) مورد نکوهش واقع شده و هشدار و علامتی برای شقاوت و سنگ‌دلی دانسته شده است (نجم (۵۳): ۶۰).

در قرآن کریم، از طوایفی که در برابر آیات قرآن، چشمی اشک‌بار داشته‌اند، تمجید شده است (مانند: ۸۳). از آیات شاخصی که بکاء در برابر تلاوت آیات الهی را مطرح می‌کند، این دو مورد است: «وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (اسراء: ۱۰۹) و «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم: ۵۸).

در این دو آیه خداوند در تمجید طوایفی از بندگان متواضع خود، اینچنین یاد می‌کند که آنها در برابر استماع تلاوت آیات الهی، سجده‌کنان می‌گریند. صاحب مجمع البیان معتقد است، گریستن گروه نخست به جهت نگرانی از کوتاهی در عبادت و از شوق به پاداش و ترس از عقاب است (طبرسی، مجمع البیان: ۶/۶۸۸). وی گریه گروه دوم را تضرع ایشان به درگاه خدا می‌داند و می‌افزاید: «آنها در حالی هنگام یاد آیات خدا به گریه می‌افتند که دارای جلالت جایگاه معنوی‌اند» (همان، ۸۰۲). صاحب تفسیر صافی، این گریه خاضعانه را به سبب تأثر ایشان از شنیدن مواظ قرآن دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۲۷/۳).

برای تقویت بحث، لازم به ذکر است که مسئله بکاء و حزن در تلاوت، در روایاتی چند نیز مورد توجه قرار گرفته است که اشاره به مواردی از آنها برای نمونه، مناسب به نظر می‌رسد. ثقة الاسلام کلینی از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل کرده: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۴/۲). شیخ حر عاملی، سخن از استحباب قرائت محزونانه کرده (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۸/۶). وی



در ابواب قرائت قرآن در غیر نماز، باب بیست و دوم را اینچنین نامگذاری کرده است: «بَابُ اسْتِخْبَابِ الْقِرَاءَةِ بِالْحُزْنِ كَأَنَّهُ يَخَاطِبُ إِنْسَانًا» و در آن، سه روایت نقل می‌کند که اولین آنها، همان روایت امام صادق (ع) از کتاب کافی است.

پس یکی از آثار حقیقی تلاوت قرآن، بکاء است که البته ممکن است ناشی از خوف و خشیت یا خضوع و خشوع باشد. لذا از جمله صفات برجسته برخی انبیا و خاندان والایشان، خشوع ذکر شده است: «إِنَّهُمْ كَانُوا يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ...»؛ «آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می‌کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می‌خولندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند» (انبیاء: ۹۰).

علامه طبرسی سه معنا برای خشوع در این آیه ذکر کرده: تسلیم امر خدا؛ تواضع در برابر خواست‌های خدا؛ ترس دائمی در درون (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۷/۳). یکی از بایسته‌های مؤمنان نیز فت خشوع دانسته شده است. برخی مفسران معتقدند که هر چند این وصف، در همه اوقات باید توسط مؤمنان مراعات شود، اما تجلی آن هنگام نماز و عبودیت، بسیار بیشتر و آشکارتر است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۸)؛ لذا در برخی آیات، مؤمنان، کسانی معرفی شده‌اند که در وقت نمازشان، دارای وصف خشوع‌اند (مؤمنون: ۲). همچنین در سوره احزاب، وصف خشوع، یکی از ده وصفی است که مردان و زنان آمرزیده‌شده و پاداش گرفته به آن آراسته‌اند (احزاب: ۳۵). جمع‌بندی اوصاف ده‌گانه سوره احزاب، در تفسیر نمونه اینچنین بیان شده است: بخشی از این اوصاف ده‌گانه از مراحل ایمان سخن می‌گوید (اقرار به زبان، تصدیق به قلب و جنان، و عمل به ارکان). قسمت دیگری پیرامون کنترل زبان و شکم و شهوت جنسی که سه عامل سرنوشت‌ساز در زندگی و اخلاق انسان‌ها است بحث می‌کند. در بخش دیگری، از مسئله حمایت از محرومان و ایستادگی در برابر حوادث سخت و سنگین یعنی صبر که ریشه ایمان است؛ و سرانجام، از عامل تداوم این صفات یعنی ذکر پروردگار سخن به میان می‌آورد (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۷، ۳۰۸).

ارتباط وصف خشوع با موضوع بکاء چنین است که خشوع در برابر حق و آیات الهی، زمینه تأثیر گرفتن از مضامین آیات را فراهم می‌کند و انسان را از قساوت قلب که مقابل خشوع است، باز می‌دارد. بکاء در حقیقت، شاهد و نشانه‌ای از عدم قساوت قلب است و اینها همه، ذیل همان وصف خشوع قابل فهم است. تلاوت قرآن، سیم اتصال این سه حلقه است که از سویی پیام روح‌بخش قرآن را رسا اعلام می‌کند و از سویی، موجب خشوع در مستمع می‌شود و از دیگرسو، بکاء که نتیجه هدایت قلبی است، به جهت نگرانی از کوتاهی در عبادت یا ترس از عقاب یا شوق به پاداش، متولد می‌شود.

مقام معظم رهبری به مناسبتی اشاره به اهمیت و پیوند بکاء و خشیت نموده و می‌فرمایند: «بکاء از خشیت الهی ناشی از توجه دل است، ناشی از معرفت است، ناشی از خشوع است». سپس در ادامه با اشاره به روایت «... وَ أَمَّا الْبُكَاءُ وَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يَشَارِكُهُمْ أَحَدٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸۳/۲)، چنین می‌افزاید: «این رتبه عالی مخصوص کسانی است که دل رقیق آنها، دل حساس آنها، در مقابل ذکر الهی به خشوع در آمده و این خشوع، چشم آنها را می‌گریزند» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۶۴۱>). قبلاً هم گذشت که معظم له به تالیان کتاب الله سفارش به تلاوت همراه با خشوع کرده و تلاوت را علاوه بر ایجاد خشوع در دل، شیرین‌کننده قرآن در دل و گوش می‌دانند: این لحن‌ها و آهنگ‌ها خوب است؛ این‌ها چیزهائی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می‌کند و در نفوذ قرآن تأثیر می‌گذارد... یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند - با همین صوت‌ها، با همین لحن‌ها و آهنگ‌ها - که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: «وَ إِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع و تضرع نزدیک کند؛ اینجوری هم داریم. در همین قراء معروفی که هستند، بعضی‌شان اینجوری‌اند؛ خواندنشان، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوان‌ها که بحمدالله هم صداهاى خوبى دارید، هم تسلط خوبى، هم می‌فهمم که این آیاتی را که می‌خوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید.... بحمدالله حالا این پیشرفت‌ها جوان‌ها را پیش آورده. اینها خوب است؛ منتها این را هم رعایت کنید و در ضوابط تلاوت خودتان بگنجانید، تا این خشوع به وجود بیاید (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7872>).

نتیجه‌گیری

با تکیه بر مباحث گذشته، این نتایج به دست می‌آید: آثار مختلفی بر تلاوت قرآن مترتب است که بخشی از آنها که در خود قرآن بیان شده است به این ترتیب است: ایجاد ایمان و اشتیاق؛ افزایش ایمان و اشتیاق و جاری شدن اشک؛ إنذار؛ تذکر؛ خارج شدن از تاریکی‌ها به سوی نور؛ هدایت ویژه و رشد؛ اطمینان قلبی؛ خشوع و خشیت قلب؛ سجده و بکاء.

مقام معظم رهبری همواره به قاریان و تلاوت‌گران توصیه به توجه به موضوع تأثیرگذاری تلاوت نموده و به تأثیرات مختلف تلاوت اشاره کرده‌اند؛ از جمله: لزوم نفوذ مفاهیم قرآن در دل‌ها و ایجاد انقلاب در آنها؛ القاء مفاهیم قرآنی به مستمع از طریق تلاوت؛ تلاوت با خشوع و ایجاد خشوع در دل‌ها؛ هدایت جوانان به سمت قرآن از طریق تلاوت؛ شوق‌انگیزی تلاوت؛ تصویرسازی مفاهیم قرآنی با تلاوت و ساختن محیط جامعه با تلاوت متکی به فهم معنا.



فهرست منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸م.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: احمد موحّدی قمی، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، تحقیق: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۷. امینی تهرانی، محمد، و میردامادی نجف آبادی، سیدعلی، و عباسی، فرهاد، و عباس، سیدعلی. (۱۴۰۲). بررسی مسئله صوت حسن و تحزین در روایات فریقین. مطالعات قرآنت قرآن، ۲۰۳-۲۳۱. doi: 10.22034/qer.2023.8458
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۱۱. ثلاثی، یوسف بن احمد، تفسیر الثمرات الیانة و الاحکام الواضحة القاطعة، یمن: مکتبة التراث الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل أحکام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

١٥. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالملک بن دھیش، مکه مکرمه: مکتبة الاسدی، ١٤٢٩ق.
١٦. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ١٣٧٨ش.
١٧. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتاب العربی، ١٤٠٧ق.
١٨. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
١٩. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٠ق.
٢٠. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ١٤١٤ق.
٢١. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، قم: بیدار، ١٣٦١ش.
٢٢. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
٢٣. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح: ابوالقاسم گرگی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ١٤١٢ق.
٢٤. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: حسین نوری همدانی و دیگران، تهران: فراهانی، بی تا.
٢٥. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٢٦. طبری، محمد بن جریر: امع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٢٧. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ١٣٧٥ش.
٢٨. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٢٩. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، تحقیق: مالک محمودی، قم: دارالقرآن الکریم، ١٤١٣ق.



۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. فیض کاشانی، مولی محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۳۳. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: اسلامیه، چ ۱. بی تا.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنة (تفسیر الماتریدی)، تحقیق: مجدی باسلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ق.
۳۶. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۷. مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی: امع الاحادیث، نسخه ۳/۵.
۳۸. مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی: امع التفاسیر نور، نسخه ۳.
۳۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب — انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
۴۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زیدة البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه، بی تا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۴۲. میرزاجانی، محمدتقی، قاسمی شوب، محمد، علیزاده منامن، عیسی. (۱۴۰۱). ابعاد هنر تلاوت قرآن کریم. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۸)، ۲۵۵-۲۸۴. doi: 10.22034/qer.2022.7200
۴۳. نقی پور فر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبّر در قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۴۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب — انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش.

References

1. Amini Tehrani, M., Mirdamadi Najafabadi, S. A., Abbasi, F., & Abbas, S. A. (2023). An Examination of the Concepts of “Beautiful Recitation” and “Voice Modulation” in Narrations of the Quranic Recitation by Two Major Sects of Islam i.e. Shia and Sunni. 5- QERA'T, 11(20), 203-231. doi: 10.22034/qer.2023.8458
2. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi 'Ilm at-Tafsir (The Provision for Travelers on the Science of Exegesis)*, Edited by Abdul Razzaq Mahdi, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
3. Ibn Arabi, Mohammad Bin Ali, *Tafsir Ibn Arabi (Tawilat Abd al-Razzaq) (Ibn Arabi's Commentary - Interpretations by Abd al-Razzaq)*, Edited by Sameer Mustafa Rabbab, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
4. Ibn Arafah, Mohammad Bin Mohammad, *Tafsir Ibn Arafah*, Beirut: Dar al-Ilmiyyah, Publications of Mohammad Ali Baydoun, 2008 CE.
5. Ibn Fahad Helli, Ahmad Bin Mohammad, *Udat ad-Da'i wa Najah as-Sa'i (The Tools of the Caller and the Success of the Seeker)*, Edited by Ahmad Mowehhidi Qomi, Dar al-Kutub al-Islami, 1407 AH (1986 CE).
6. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Edited by Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar al-Fikr, 1414 AH (1993 CE).
7. Abu al-Fatuh Razi, Husayn Bin Ali, *Rawz al-Janah wa Ru' al-Janah (The Garden of Heaven and the Spirit of Heaven)*, Edited by Mohammad Mahdi Nasih and Mohammad Jafar Yahqqi, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, 1408 AH (1987 CE).
8. Baydawi, Abdullah Bin Umar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Baydawi's Commentary - The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
9. *Official Website of the Supreme Leader's Office*, <https://farsi.khamenei.ir>.
10. Tamimi Amodi, Abdul Wahid Bin Mohammad, *Tasneef Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Compilation of The Excellence of Wisdom and Pearls of Speech)*, Edited by Mustafa Dirayati, Qom: Tablighat Office, 1366 SH (1987 CE).
11. Thalaih, Yusuf Bin Ahmad, *Tafsir al-Thamarat al-Yan'a wal Ahkam al-Wadihat al-Qati'ah*, Yemen: Maktabat al-Turath al-Islami, 1423 AH (2002 CE).
12. Hurr Ameli, Mohammad Bin Hassan, *Tafsir Wasa'il ash-Shi'a ila Tahsil Ahkam ash-Shari'a (The Elaboration of Means for Shi'ites in Obtaining the Rules of Shari'a)*, Qom: Al al-Bayt Institute, 1409 AH (1988 CE).
13. Daylami, Hassan Bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila as-Sawab (The Guiding the Heats toward the Right Path)*, Qom: Al-Sharif al-Razi, 1412 AH (1991 CE).
14. Raghieb Esfahani, Husayn Bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Edited by Safwan Adnan Dawudi, Beirut-Damascus: Dar al-Qalam-Al-Dar Al-Shamiyya, 1412 AH (1991 CE).



15. Rassa'ni, Abdul Razzaq Bin Razak Allah, *Ramuz al-Kunuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (Symbols of Treasures in the Interpretation of the Noble Book)*, Edited by Abdul Malik bin Dahish, Mecca: Maktabat al-Asadi, 1429 AH (2008 CE).
16. Razavi Esfahani, Mohammad Ali, *Tafsir Quran Mehr*, Qom: Tafsir and Quranic Sciences Research, 1378 SH (1999 CE).
17. Zamakhshari, Mahmoud Bin Umar, *Al-Kashaf An Haqa'iq Ghawamid at-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wajuh at-Ta'wil (Zamakhshari's Commentary - The Unveiling of the Realities of the Ambiguities of Revelation and the Sources of Interpretation)*, Edited by Mustafa Husayn Ahmad, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
18. Suyuti, Abdul Rahman, *Ad-Dur al-Manthur Fi at-Tafsir Bil-Ma'thur (Suyuti's Commentary - The Scattered Pearls in Quranic Exegesis by Narration)*, Qom: Public Library Ayatollah Mar'ashi Najafi, 1404 AH (1983 CE).
19. Shubbar, Abdullah, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Noble Quran)*, Qom: Dar al-Hijra Institute, 1410 AH (1989 CE).
20. Sharif Razi, Mohammad Bin Husayn, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Edited by Sobhi Saleh, Qom: Hijrat, 1414 AH (1993 CE).
21. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Bin Ibrahim, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Noble Quran)*, Edited by Mohammad Khavajavi, Qom: Bidar, 1361 SH (1982 CE).
22. Tabatabai, Mohammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Interpretation)*, Beirut: Mo'assasat al-A'lami lil-Matbu'at, 1390 AH (1970 CE).
23. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Tafsir Jawami al-Jami (Commentary on the Comprehensive)*, Edited by Abul Qasim Gurji, Qom: Markaz Mudiriyat Hawzah Ilmiyyah Qom, 1412 AH (1991 CE).
24. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Exposition in Quranic Exegesis)*, Translated by Hossein Nuri Hamedani et al., Tehran: Farahani, n.d. (No date provided).
25. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan li 'Ulum al-Quran (Collection of Clarification for Quranic Sciences)*, Edited by Fadlullah Yazdi Tabatabai, Hashem Rasouli, Tehran: Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
26. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Clarifications in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH (1991 CE).
27. Turailhi, Fakhr al-Din Bin Mohammad, *Majma al-Bahrain (The Meeting of the Two Seas)*, Edited by Ahmad Hussein Eshkavari, Tehran: Morteza'vi, 1375 SH (1996 CE).
28. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (Elucidation in Quranic Interpretation)*, Edited by Ahmad Habib Ameli, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.

29. Ameli, Ali Bin Hussein, *Al-Wajiz fi Tafsir al-Quran al-Aziz (The Concise in the Interpretation of the Noble Quran)*, Edited by Malik Mahmoudi, Qom: Dar al-Quran al-Karim, 1413 AH (1993 CE).
30. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ain (The Book of the Fountain)*, Qom: Hijrat Publications, 1409 AH (1988 CE).
31. Faydh Kashani, Mulla Mohsen Bin Shah Morteza, *Tafsir al-Safi (The Purifier Interpretation)*, Tehran: Maktabat al-Sadr, 1415 AH (1994 CE).
32. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Nur (Interpretation of Light)*, Tehran: Markaz Farhangi Dars-ha'i az Quran, 1388 SH (2009 CE).
33. Kashani, Fathullah Bin Shukrullah, *Manhaj al-Sadiqain fi Ilzam al-Mukhalifin (The Way of the Truthful in Confronting Opponents)*, Tehran: Islamiyyah, vol. 1, n.d.
34. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1407 AH (1986 CE).
35. Maturidi, Mohammad Bin Mohammad, *Ta'wilat Ahl al-Sunnah (Interpretations of the Sunnis = Maturidi's Exegesis)*, Edited by Majdi Basloom, Beirut: Dar al-Ilmiyyah, Publications of Mohammad Ali Baydoun, 1426 AH (2005 CE).
36. Mirzajani, M. T., Ghasemi Shub, ., M., & alizadeh, I. (2022). The Dimensions of the Art of Reciting (Tilawat) the Holy Quran. 5- QERA'T, 10(18), 255-284. doi: 10.22034/qer.2022.7200
37. Modarresi, Mohammad Taqi, *Min Hidayat al-Quran (From the Guidance of the Quran)*, Tehran: Dar Muhibbi al-Hussein, 1419 AH (1998 CE).
38. Computer Research Center of Islamic Sciences, *Jam' al-Ahadith (Comprehensive Works of Hadiths)*, Version 3.5.
39. Computer Research Center of Islamic Sciences, *Jam' al-Tafasir Nur (Compilation of Exegeses of Noor Center)*, Version 3.
40. Cultural and Quranic Studies Center, *Dairat al-Ma'arif Quran Karim (Encyclopedia of the Holy Quran)*, Qom: Bustan-e Ketab, Publications of Daftar Tablighat Islami Hawzeh Ilmiyyah Qom, 1382 SH (2003 CE).
41. Moqaddas Ardabili, Ahmad Bin Mohammad, *Zubdat al-Bayan fi Ahkam al-Quran (The Essence of Elucidation in Quranic Rulings)*, Tehran: Maktabat al-Murtazawiyyah, n.d.
42. Makarem Shirazi, Naser et al., *Tafsir Nemounah (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1371 SH (1992 CE).
43. Naqipour Far, Vali Allah, *Research on Reflection in the Quran*, Tehran: Uswa, 1381 SH (2002 CE).
44. Hashemi Rafsanjani, Akbar, *Farhang -e- Quran (Quran Encyclopedia)*, Qom: Bustan-e Ketab, Publications of Daftar Tablighat Hawzeh Ilmiyyah Qom, 1383 SH (2004 CE).